



سایه‌ای که از شهر دریغ شد!

گفت‌وگو با یک معمار درباره «ساباط»

از عناصر تقریباً فراموش شده معماری ایرانی

شامل راهرویی سرپوشیده که به دلیل سایه‌اندازی در معابر عمومی از سختی رفت‌وآمد در گرما و سرما می‌کاهد

البه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

این روزها که خورشید شمشیر را از رو بسته، پیاده‌راه رفتن توی کوچه و خیابان، دل‌وجرئت می‌خواهد. آفتاب، در جنگی نابرابر سر را مستقیم نشانه می‌گیرد و عرق به تن می‌نشانند و دریغ از سایه‌ای که بتوان چند دقیقه‌ای در پناهش آرام گرفت. تا چند سال پیش اما شهر این قدر بی‌ملاحظه نبود. توی کوچه‌پس‌کوچه‌هایش که راه می‌رفتیم، چیزی بود که تابستان‌ها از بی‌رحمی آفتاب و کلافه‌کنندگی گرما کم می‌کرد و زمستان‌ها اجازه می‌داد چند دقیقه‌ای از یرف و باران در امان بمانیم. درباره «ساباط» حرف می‌زنم؛ راهرویی سرپوشیده که دو یا چند خانه را به هم وصل می‌کند و به دلیل سایه‌اندازی در معابر عمومی، از سختی رفت‌وآمد در گرما و سرما می‌کاهد. ساباط از عناصر معماری ایرانی است که بیشتر در مناطق مرکزی و جنوبی کشور به ویژه استان‌های کرمان، یزد، اصفهان، خوزستان و خراسان جنوبی رایج بوده است؛ مناطقی که آفتاب زیادی داشته‌اند و این یعنی مهندس‌های قدیمی در معماری و شهرسازی، انسان و آسودگی‌اش را در نظر داشته‌اند. امروز چند تایی ساباط به عنوان آثار باستانی در شهرهای گرم‌وخشک پیدا می‌شود، در مشهد هم حوالی حرم قیایی دو ساباط را می‌شود دید اما این سازه‌ها یز که کارکردهای گوناگونی هم داشته، از معماری و شهرسازی مدرن حذف شده است. در پرونده امروز، از خلال گفت‌وگو با یک معمار، ساباط را بهتر می‌شناسیم؛ با بعضی از ویژگی‌های معماری ایرانی آشنا می‌شویم و از تأثیر معماری مدرن بر سبک زندگی سر در می‌آوریم.

سقف بالای سر کوچه‌ها به چه کار می‌آمده است؟

یک معمار درباره انواع ساباط، کارکردهایش و تأثیر معماری مدرن بر سبک زندگی ما توضیح می‌دهد

اگر به یزد، کرمان و استان‌های دیگری که بالاتر نام بردیم سفر کرده باشید، احتمالاً ساباط را - بدون آن که اسمش را بدینید - به شکل طاق‌هایی در کوچه‌ها دیده‌اید اما این طاق‌ها فقط یک نوع از ساباط هستند. ساباط‌ها انواع مختلف و وظیفه‌ای بیشتر از ایجاد سایه در معابر، برعهده داشته‌اند. «نیکناز کچویی»، رئیس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه «خیام» مشهد، در این باره توضیح می‌دهد.

بومی‌گرایی و انسان‌محوری



قدیمی، دورتادور حیاط فضاهای مختلفی وجود داشته است که هر کدام کاربری مخصوص داشتند. فضاهای ضلع شمالی ساختمان که در زمستان آفتاب خوبی می‌گرفته و گرم می‌شده‌اند، زمستان نشین بودند و ضلع جنوبی که در فصل گرم از نور مستقیم آفتاب در امان می‌مانده، تابستان نشین بوده است. در این خانه‌های یکی دیگر از ویژگی‌های معماری ایرانی یعنی درون‌گرایی را هم می‌بینید؛ شاید متوجه شده باشید که خانه‌های قدیمی هیچ پنجره‌ای به سمت خیابان ندارند و تمام فضاها به داخل حیاط باز می‌شوند. درون‌گرایی در معماری ایرانی، در راستای مسئله حریمیت بوده است.»

توضیحات خانم کچویی درباره بوم‌آورد بودن مصالح، از یکی دیگر از زیرکی‌های گذشتگان مان پرده برمی‌دارد. شاید فکر کنید مهندس‌های قدیمی، چاره‌ای جز استفاده از مصالح بومی نداشته‌اند چون از امکانات امروز برای سفارش و حمل‌ونقل مصالح مورد نیازشان بی‌بهره بوده‌اند اما موضوع به این سادگی نیست. خانم کچویی می‌گوید: «بوم‌آورد بودن از ویژگی‌های معماری ایرانی است که امتیازات زیادی داشته، از جمله پایین آوردن هزینه‌ها و صرفه‌جویی اقتصادی؛ اما این فقط یک روی ماجراست. در هر اقلیمی، با توجه به میزان اختلاف درجه حرارت بین شب و روز، نوع مصالح تعیین می‌شود و بهترین مصالح در هر منطقه همانی است که با اقلیم آن سازگاری دارد. مهندسان قدیمی این نکته را به خوبی می‌دانستند و مصالح بومی را طوری به کار می‌گرفتند که ضریب هدایت حرارتی کم و مقاومت حرارتی بالایی داشته باشند؛ به این ترتیب بود که در ساختمان‌های قدیمی، کنترل گرما و سرما عمدتاً از طریق معماری بنا - جنس مصالح، ضخامت دیوارها، ابعاد پنجره‌ها و... - انجام می‌شد، نه وسایل سرمایشی و گرمایشی. بالاتر گفتیم که بوم‌آورد بودن نه تنها در ساباط‌ها بلکه به طور کلی در معماری و شهرسازی سنتی ایرانی لحاظ می‌شده است؛ نمونه‌اش را در خانه‌های قدیمی سراغ دارید؛ تابستان نشین، زمستان نشین، اندرونی، بیرونی و... در خانه‌های

چکیده‌ای از هوش و سلیقه در معماری



سنگ ساخته می‌شده‌اند. ساباط‌ها هم چون عمدتاً در اقلیم خاک به کار می‌رفتند، جنس‌شان از خشت و آجر است. بیشتر گفتیم که شکل ساباط‌ها متأثر از سلیقه سازندگان‌شان نبوده اما به این معنی نیست که سلیقه در این سازه‌ها جایی نداشته است. در ساباط‌ها آرایه‌های زیبایی دیده می‌شود که نشان می‌دهد در ساخت آن‌ها به جز زیرکی، ذوق و هنر هم به کار می‌رفته است؛ کاشی‌های رنگی، کاشی‌های لعاب‌دار و تزیینات آجری از آرایه‌های رایج ساباط‌ها بوده است. در ساباط‌هایی که ورودی کوچه به شمار می‌رفته‌اند، کتیبه زیاد به چشم می‌خورد که اسم یک خاندان، آیه‌ای از قرآن و چیزهای مشابه روی آن نوشته می‌شده است.»

ساباط انواع مختلفی دارد و این تفاوت در شکل ظاهری به سلیقه مختلف سازندگان ربطی ندارد بلکه از کارکردش تأثیر می‌گیرد. توضیحات خانم کچویی کمک می‌کند بفهمیم چه میزان هوشمندی در این سازه ساده به کار رفته است: «هدفی که از ساباط مدنظر بوده، در محل اجرا و شکلش تأثیر می‌گذاشته است.

ساباط‌های اتاقک‌دار در ابتدا و انتهای گذرها ساخته می‌شده‌اند - در باره اهداف این کوچه‌های هوایی، بیشتر حرف زدیم - و ساباط‌های پی‌درپی طاق‌نما در وسط گذرها استفاده می‌شده‌اند که با تکرار شدن در فواصل مختلف - مثل آن چه در یزد می‌بینید - وظیفه سایه‌اندازی و سازه‌ای را انجام می‌دادند.» در ساخت ساباط‌ها از چه مصالحی استفاده می‌شده است؟ «مصالح به کار رفته در ساباط‌ها و به طور کلی در معماری و شهرسازی سنتی ایرانی، «بوم‌آورد» بوده یعنی همان چیزی که در محل وجود داشته است. منطقه‌ای که خاک خوبی داشته، در ساخت و ساز خشت و آجر به کار می‌برده است و جایی که معدن سنگ در دسترس بوده، بناها از

امنیت، تعامل و آسایش

محیطی

ساباط دقیقاً چیست؟ خانم کچویی جواب می‌دهد: «تعریف ساباط به عملکردش بستگی دارد و این عملکرد دو بخش دارد: عملکرد تأثیرگذار بر آسایش محیطی یعنی همان نقش سایه‌اندازی که در نگاه اول به این سازه، متوجهش می‌شویم اما این تنها کارکرد ساباط نیست؛ ساباط عملکرد سازه‌ای هم داشته است. یعنی چه؟ در مناطق گرم‌وخشک، دیوارهای معابر را بلند می‌گرفته‌اند که ایجاد سایه کند اما بلندی این دیوارها بدون داشتن پشتوانه، مشکل‌زایی شده پس لازم بوده است پیوندی بین دیوارها ایجاد شود تا آن‌ها را به هم بدوزد. این پیوند، همان چیزی است که به آن ساباط می‌گوییم. به این ترتیب، ساباط هم در معماری و هم در شهرسازی نقش داشته است چون از یک طرف تعدادی خانه را به هم متصل می‌کرده و از طرف دیگر، در معابر عمومی کارکرد داشته است.» اگر ساباط را از نزدیک ندیده باشید، احتمالاً تصور کردنش به عنوان راه‌اتصال بین چند خانه برای تان آسان نباشد. خانم کچویی توضیح می‌دهد: «در زمان‌های قدیم اعضای یک‌قوم، یک خانواده یا گروهی از کسانی که نسبت دینی، شفلی و... باهم داشته‌اند، در یک محله زندگی می‌کرده‌اند. خانه‌های نزدیک به هم این افراد، به واسطه ساباط به هم پیوند می‌خورده است؛ یعنی سقفی روی کوچه بین این خانه‌ها ایجاد و در واقع یک جور کوچه هوایی ساخته می‌شده که چندین کارکرد داشته است از جمله برقراری امنیت؛ ساباط در واقع نوعی حریم ایجاد می‌کرده است، اهالی خانه‌های پیرامون آن برای ارتباط داشتن باهم نیاز نبوده از خانه بیرون بیایند و از قسمت مسقف ساباط استفاده می‌کرده‌اند. این موضوع با توجه به جایگاه مسئله حریمیت در فرهنگ ایرانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. گاهی هم اتاقکی روی سقف می‌ساخته‌اند که حکم سالن اجتماعات امروزی را داشته و محلی بوده است برای تعامل. برخی ساباط‌ها در هم داشته‌اند که شب‌ها بسته و برای حفظ امنیت ساکنان پیرامونش از فضای عمومی جدا می‌شده است. کارکرد امنیتی ساباط در شهرهای مرزی بیشتر مدنظر بوده است؛ در زمان شورش و حمله، ساباط مانعی بوده است که شورشگران نتوانند از روی دیوارها فرار کنند. پنجره‌ای هم داشته که مشرف به خیابان بوده است و اوضاع را از طریق آن کنترل می‌کرده‌اند.»



افزایش جمعیت و رشد عمودی شهرها در تغییرات به وجود آمده تأثیرگذارند اما برای برگرداندن آسودگی به زندگی، لازم است که بار دیگر نیازهای انسان در شهرسازی و معماری مورد توجه قرار بگیرد.»



...مهندس «ساسان ثوروزی»، کارشناس ارشد مرمت آثار و بناهای تاریخی و مسئول تیم مرمت و احیای بازار فرش مشهد، با معرفی دو ساباط در مشهد به ما در آشنایی با این سازه کمک زیادی کردند.

هم جدا می‌کردند، برای تراس حصار می‌گذاشتند و با تمهیدات مختلف سعی می‌کردند خانه را متناسب با نیازهای خودشان تغییر بدهند. این رفتار هنوز هم ادامه دارد؛ در شهرهای ما خانه‌های تمام‌شیشه‌ای ساخته می‌شود و خیلی از ساکنان این خانه‌ها، پنجره‌ها را با چند لایه پرده ضخیم می‌پوشانند که فضای خصوصی‌شان دیده نشود. در یکسان‌سازی، نیازهای انسان نادیده گرفته شد و در پاسخ به آن، دوره پست‌مدرن با شعار بازگشت به گذشته از راه رسید. حالا می‌بینیم که عناصر معماری بومی کم‌کم دارند برمی‌گردند؛ آب‌نماهای کوچک در خانه‌ها و باغچه‌های مینیاتوری پشت پنجره‌ها، عنصر آب و سبزه را به خانه‌ها بازگردانده‌اند. حالا مردم تعطیلات‌شان را در بوم‌گردی‌های می‌گذرانند تا زندگی به روش سنتی را تجربه کنند. منطقه‌گرایی، بوم‌گرایی، معماری پایدار و معماری سبز، در مرکز توجه قرار گرفته‌اند. شهرسازی و معماری البته هنوز تا در نظر گرفتن نیاز انسان، فاصله دارد. شهرها همچنان ماشین‌محورند. ما بیشترها سکوی پیرنشین را دم در خانه‌ها داشتیم که محلی بود برای گپ‌وگفت همسایه‌ها و خستگی در کردن عابرها و الان جای‌پارک ماشین داریم. خوب واضح است که

گذر از مدرنیته برای برگرداندن آسودگی به زندگی

چه شد که آن همه جزئی‌نگری و حساب‌گری در معماری از بین رفت و خانه‌های یک‌شکل و بی‌توجه به نیاز ساکنان سر برآوردند؟ خانم کچویی توضیح می‌دهد: «با دیگر، ساباط و سایر عناصر معماری بومی که بر اساس نیاز مردم شکل می‌گرفته و منطقه‌گرایی در آن‌ها لحاظ می‌شده، محصول معماری سنتی است. وقتی سروکله معماری مدرن پیدا شد، محصول دیگری به نام یکسان‌سازی به عمل آمد. در معماری مدرن شعار معروفی وجود دارد که می‌گوید: «خانه، ماشینی است برای زندگی»؛ یعنی خانه به محل خواب، تقلیل داده شد. در این زمان دیگر هیچ کس از روی نقشه و عکس یک ساختمان نمی‌توانست تشخیص بدهد که بنادر چه اقلیم و منطقه‌ای ساخته شده است. در ایران هم وقتی دانشجویان معماری برای تحصیل به خارج از کشور رفتند، میل به تبعیت از معماری غربی و یکسان‌سازی را با خودشان به همراه آوردند. به این ترتیب تزیینات از بین رفت. توجه به فرهنگ و سنت از بین رفت. دیوارهای جداکننده فضاها، حذف و آشپزخانه‌ها اوپن شدند اما این تنها ظاهر قضیه بود. مردم در خانه‌های مدرن زندگی می‌کردند ولی همچنان به سنت پایبند بودند؛ فضاهای مختلف خانه را با پرده از